

### متن پرسش

با عرض سلام بنده سوالی داشتم که خدمتتان عرض می‌نمایم: ۱. آیا کسی که مبتلا به وسواس است درجه تجردش پایین آمده که شیطان خناس می‌تواند بر روی او نفوذ کند، پس چرا ممکن است فردی اهل تقوی باشد و توانسته اعمالش را تزکیه کند ولی باز وسوسه و ترسهایی از وقوع حوادث که احتمالا از جانب شیطان است از بین نمی‌روند؟ ۲. استاد به نظر شما علت اعتماد به نفس کم - خود کم بینی ها و سر و سادگی افراد در چیست؟ آیا نفس در معرض عامل ضعیف کننده قرار گرفته مثل گناه آید ریشه در وراثت نیز می‌تواند داشته باشد؟ ۳. بنده بعضی اوقات سوالی یا مشکلی دارم که با تفکر و مشورت نیز بر سر چند راهی قرار می‌گیرم و به همین خاطر به قرآن تفال می‌زنم و در اکثر مواقع با تفکر در آیات آمده و مقایسه با پرسش ذهنیم به جواب دست یابم و در بسیاری موارد جوابم را حتی بسیار صریح در آیات می‌یابم که این بسیار برایم حیرت برانگیز است در این موقع دلم آرام می‌گیرد و خدا را ناظر بر فکر و نیتم می‌بینم. مدتی است که کتاب هدف حیات زمینی آدم که شما نوشته اید را مطالعه کرده ام حالا کمی شکاک شده ام که ممکن است شیطان که ۶۰۰۰ سال خدا را عبادت کرده او مرا در راه رسیدن به این نتیجه گیری جهت داده. آیا شیطان بوسیله قرآن می‌تواند کسی را گمراه کند؟ آیا این که من احساس می‌کنم توسط تفال به قرآن می‌توانم راه خیر را برگزینم ممکن است اینها همه توسط شیطان باشد یا همان قوه وهمیه و خیال خودم؟ چون در یکی از سخنرانیهای حسین الهی قمشه ای شنیدم که گفتند ناز خدا خیلی زیاده به این راحتی رخ به کسی نشان نمی‌دهد. با تشکر -  
خدا حافظ

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هر اندازه نفس انسان به صورت وجودی شدت یابد تمام ابعاد کمالی آن نفس متعالی می‌شود لذا انسان‌های وسواسی سعی بر تعالی وجودی و سیرِ اِلَى الله ندارند، بیشتر مشغول ظاهر شریعت می‌شوند و شیطان نیز از همین طریق سراغ آن‌ها می‌رود. ۲- خداوند می‌فرماید: «خلق الانسان ضعيفا» پس در هر حال انسان‌ها در ابتدای امر به شکل‌های گوناگون ضعف‌هایی دارند. با تدبّر و تعقل در شریعت الهی باید بتوانند از آن ضعف‌ها بگذرند ۳- در هر صورت ما مأمور به تعقل در امور خود هستیم و حجت باطنی ما عقل است و نمی‌توان عنان خود را در اختیار استخاره و تفال به قرآن سپرد. موفق باشید